

## نظام سوریه، شکست سکولاریسم، تحقق تغییر و بازگشت خلافت راشده

### (ترجمه)

سقوط نظام منفور سوریه نقطه عطفی در تاریخ امت اسلامی بود؛ این واقعه نشان داد که همراهی الله سبحانه و تعالی با مظلومان همیشگی است. خیزش‌های امت اسلامی نمرده‌اند و پروژه تغییر که فرزندان این امت برای بازگرداندن اسلام به صحنه زندگی و از سرگیری حمل پیام آن به جهانیان آغاز کرده‌اند، متوقف نشده است. حتی با وجود تلاش‌های پی‌درپی برای متوقف ساختن گسترش آن و خاموش کردن شعله‌هایش در بستر کشاکش فرهنگی با نظام مادی سرمایه‌داری که هستی و نسل‌ها را تباہ کرده است، به‌ویژه آن‌که سوریه بخشی از سرزمین شام است که قلب جهان به‌شمار می‌رود. آنچه در سال‌های اخیر در آنجا رخ داده، بازتاب یک نبرد فرهنگی میان امت اسلامی در تلاش برای بازیابی نقش و دولت خویش از یک سو و قدرت‌های استعمارگر جهانی سرمایه‌داری به‌ویژه امریکا از سوی دیگر است.

بدون تردید، سقوط این رژیم گامی بزرگ در مسیر تغییر به‌شمار می‌رود، تغییری که با دخالت ربانی تحقق یافت و الله سبحانه و تعالی بدان مسلمانان مستضعف در شام را گرامی داشت؛ همانانی که از هر سو -دشمن و دوست ظاهری، نزدیک و دور- هدف حمله قرار گرفتند، پایداری شگفت‌انگیز طی چهارده سال، نقطه درخشانی در این نبرد بود که بخشی مهم از آن با عقب‌نشینی شتاب‌زده و خفت‌بار ایران و پایان نفوذ و همچنین شکست و خروج حزب لبنانی وابسته به ایران از میدان نبرد نظامی، به انجام رسید؛ هر دو (ایران و حزبش) از ابزارهای اصلی در مواجهه با هدف امت اسلامی برای بازگرداندن سلطه و تأسیس دولت خویش بودند.

سرنوشتی این ابزارهای نظامی شاخص در رویارویی با انقلاب مبارک شام، پیامدهای گسترده برای منطقه به دنبال خواهد داشت؛ به‌ویژه آنکه این انقلاب با شعارهایی روشن و قاطع، از جمله سرنوشتی رژیم و برپایی خلافت بر ویرانه‌های آن، آغاز شد؛ شعارهایی که خواب را از چشم جهان ربود، جهان برای مقابله با آن به تکاپو افتاد، از پلیدترین ابزارها برای مقابله نظامی استفاده کرد، از جمله دامن‌زدن به تعصبات فرقه‌ای که تأثیر شدیدی بر انقلاب داشت، در این میان رژیم ترکیه نیز که در مدار سیاسی امریکا حرکت می‌کند، نقشی مهم ایفا کرد، به‌ویژه پس از به‌دست گرفتن اختیار تصمیم‌گیری در انقلاب.

رژیم ترکیه بنا به دستور و تحریک امریکا برای مهار انقلاب وارد سوریه شد تا از خارج شدن آن از قید تصمیمات بین‌المللی جلوگیری کند و با نیرنگ و فریب، پس از شکست نقش‌آفرینی نظامی ایران از سقوط سکولاریسم در شام جلوگیری نماید.

مناطق موسوم به «کاهش تنش» و نتایج کنفرانس‌های بین‌المللی نیز ضربه‌های سنگینی به انقلاب شام وارد کرد. ایران و روسیه توانستند در سال ۲۰۱۶م حلب را بازپس گیرند و پس از آن مناطق بیشتری چون غوطه، حمص، درعا و نهایتاً در اواخر ۲۰۱۹م ریف شمالی حماه و ریف شرقی ادلب را تصرف کنند، فجایی که در این روند رقم خوردند، فقط به‌اندازه کوچکی در زندان صیدنا یا به تصویر کشیده شد. پوتین بعدها اعتراف کرد که اگر سکوت دوستش اردوغان نبود، بازپس‌گیری حلب ممکن نبود، واقعیت‌های میدانی از هر گفته و نوشته‌ای گویاترند. اردوغان تا آخرین لحظه پیش از آغاز عملیات «ردع العدوان» همچنان مردم را به سفر به ترکیه و اجرای قطعنامه ۲۵۴م که بقای رژیم سکولار در سوریه را تضمین می‌کند، دعوت می‌کرد.

نبردهای «ردع العدوان» ریشه‌دار بودن انقلاب در دل مجاهدین را به‌خوبی نشان داد؛ مجاهدینی که به سوی بقایای فروریخته رژیم یورش بردند تا پایان این نبرد، همراه با فروپاشی نظام و زوال دهه‌ها ظلم و طغیان و جنایاتی باشد که نظیر آن در تاریخ دیده نشده است. بسیاری بر این باورند که دستاوردهای این نبرد بسیار فراتر از انتظار بود و این از فضل الله سبحانه و تعالی بود که بر فداکاری‌های مجاهدین صادق برکت بخشید.

آنچه اکنون هویدا است، تلاش رژیم ترکیه برای تداوم سکولاریسم در سوریه پس از سقوط رژیم مجرم است، از طریق مشاوره‌ها و توصیه‌هایی که به دولت تازمتشکیل‌شده در دمشق ارائه می‌دهد؛ زیرا بیم آن دارد که گرایش اسلامی مجاهدین و پروژه خلافت در سوریه که همواره مایه نگرانی مراکز تصمیم‌گیری در آمریکا است، به تحقق برسد. این پروژه اکنون حمایت مردمی گسترده در سوریه و در میان انقلابیون و مجاهدین دارد. از همین رو، ترکیه با ابزارهای خود برای ناکام‌سازی این پروژه و محدود کردن حاملان دعوت آن تلاش می‌کند.

امروز شاهد تلاش آمریکا به عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی هستیم که در حال بازتولید همان مدل ترکیه‌ای در سوریه است؛ با غوغای رسانه‌ای، فریب گسترده، هماهنگی با کشورهای عربی به‌ویژه کشورهای خلیج فارس و مصر و با دقتی بی‌سابقه، همراه با سلیلی از توجیهات؛ درست مانند آنچه در ترکیه رخ داد. هدف آن است که مردم شام را از سرچشمه عزت و کرامت‌شان دور کنند، همان کرامتی که برای بازگرداندن حکم الله سبحانه و تعالی در زمین و رضایت او خون‌ها نثار کرده‌اند.

مدل توسعه‌ای ترکیه که در دو دهه گذشته به عنوان خدمت‌گذار منافع بین المللی و نظام‌های حاکم در جهان به امت اسلامی تحمیل شد، اکنون در سوریه در حال تکرار است؛ از طریق نظام مدنی، دموکراتیک و شکلی از سکولاریسم نرم، با تثبیت افراد مورد رضایت آمریکا در حکومت. کسانی با نقش‌های مشکوک که توانایی تغییر موضع و خیانت به اصول شرعی را دارند و مرتکب جنایاتی علیه مجاهدین شده‌اند و اکنون قرار است در دوره پس از سقوط رژیم اسد نقش ایفا کنند.

در نتیجه، فشارهایی بر اداره مرحله گذار وارد می‌شود تا از اجرای اسلام و برپایی خلافت در سوریه جلوگیری شود. این هم‌زمان با هیاوهی رسانه‌ای و دیپلماتیک میان ترکیه و کشورهای عربی است که در ظاهر تند و قاطع به‌نظر می‌رسند تا بیشترین امتیازات را در برابر به رسمیت شناختن دولت فعلی کسب کنند و در مراحل بعدی با بازگشت سوریه به اتحادیه عرب و سپس به سازمان ملل متحد موافقت نمایند.

اما توطئه‌ی دولت‌های منطقه‌ای و نظام حاکم جهانی برای به تعویق انداختن بازگشت اسلام به عنوان نظام حاکم، به خواست الله سبحانه و تعالی به خودشان بازخواهد گشت؛ چراکه ما یقین داریم نظام سرمایه‌داری، خود حامل بذره‌ای نابودی‌اش است، سقوط آن نتیجه قطعی و حتمی است. مسلمانان امروز دیگر آن مسلمانان صد سال پیش نیستند. آگاهی و ویژگی بارز این مرحله است؛ آگاهی که غرب را واداشت تا در عرض چند سال، همه نقشه‌ها و اوراقی را که برای دهه‌ها طراحی کرده بود، بسوزاند.

چنانکه پایداری مردم شام، چهره‌ی محور دروغین مقاومت را رسوا کرد، دیگر ساختارهای فریب را نیز فروخواهد ریخت، جنبش‌های انقلابی، پس از کنارزدن جریان‌ها در مرحله تخریب نظام‌های منحل و وارد مرحله پیشرفته شده‌اند؛ چراکه آگاهی سیاسی امت به شدت رشد یافته و توطئه‌گر و فریبکار را از میدان بیرون می‌راند، توسعه‌ای که بر پایه‌های اصولی و ریشه‌های ثابت و مبنای محکم بنا نشده باشد، به آسانی توسط طوفان تغییر واژگون می‌شود؛ جلوه‌های توسعه‌ای که در قالب تصاویر و زرق و برق به نمایش درآمده‌اند، به‌زودی از سوی واقعیت‌های عینی تکذیب خواهند شد و بر سر طراحانش فرو خواهد ریخت.

در میان تحلیل‌های سیاسی و پیچیدگی بازیگران، نباید نقش رژیم یهود فراموش شود؛ در حالی که امت اسلامی برای تغییر و برپایی مجدد خود از زیر آوار نظام‌های جابر سکولار بیدار شد، کشورهای خلیج، به رهبری عربستان سعودی و امارات، پروژه عادی‌سازی با رژیم یهود را پیش می‌برند و با تمام توان در پی ادغام آن در منطقه‌اند، هرچند این پروژه محکوم به شکست است، چراکه ذهنیت یهودی با آن سازگار نیست و مسلمانان نیز آن را نمی‌پذیرند؛ زیرا مسئله سرزمین مبارک فلسطین یک مسئله عقیدتی است که قرآن کریم آن را در رگ رگ امت نهادینه کرده است.

با این حال، این دولت‌ها - همراه با مصر و اردن - در مسیر عادی‌سازی گام برداشته‌اند و پس از سقوط اسد چشم به‌راه کشاندن سوریه به این اردوگاه ذلت‌بار هستند، در حالی که امت اسلامی در کلیتش، وجود رژیم یهود را رد می‌کند و آن را غده‌ای سرطانی می‌داند که باید ریشه‌کن شود، حاکمان عرب در حال عادی‌سازی با آن هستند. بسیاری از مسلمانان نیز به دلیل نقش

مشکوک ایران فریب خورده‌اند؛ نقشی که انقلاب شام و سپس طوفان مسجدالاقصی آن را رسوا کرده و نقاب از چهره شعارهای دروغین آن برداشته‌اند.

نقشی که نظام‌های عربی و دولت ترکیه برای تداوم سکولاریسم در سوریه ایفا می‌کنند، ویژگی بارز مرحله آینده سوریه خواهد بود؛ تحت نظارت آمریکا و ترصد رژیم یهود، در تلاشی برای از بین بردن اصول انقلاب شام و کشاندن آن به سازش با محیط عربی‌اش به بهانه بازسازی کشوری که همه می‌خواهند تابع و هماهنگ با مواضع دولت‌های منطقه‌ای باشد تا رژیم یهود و نظم جهانی ظالمانه را حفظ کند. در همین حال، امت اسلامی به‌جوش آمده تا تغییری حقیقی رقم بزند؛ تغییری که مرزهای سایکس-پیکو را در هم بشکند، امت را در زیر پرچمی واحد گرد آورد؛ پرچمی که الله سبحانه و تعالی، رسولش و مؤمنان دوست می‌دارند.

این یکی از اهداف پنهان پروژه‌هایی است که اکنون در سوریه پی‌ریزی می‌شوند و تأثیر روانی گسترده بر امت دارند؛ امتی که با پیروزی انقلاب و سقوط طاغوت، از شرق تا غرب شاد شد و امید دارد که مردم شام، فساد حاکمان مزدور را جبران کرده و شام را نقطه آغاز آزادی امت اسلامی از کابوس نظام‌های سکولار جاهلی قرار دهند و آن را به نقش فرهنگی بزرگ خود بازگردانند.

بی‌تردید، سوریه همواره گذرگاه فرهنگ‌ها بوده و امروز در چهارراه تاریخ ایستاده است: یا قیام می‌کند و شریعت را مشعل راهش قرار می‌دهد تا امت نیز بیدار شده و به نبرد آگاهی بپیوندد، ظلم و حکومت جابرانه را کنار زند، یا به شکست‌های گذشته، شکستی دیگر افزوده می‌شود، اما آنچه مسلم است، این است که شام مرکز سرزمین اسلام است. اهل شام، به‌ویژه مجاهدین باید بر فرمان الله سبحانه و تعالی ثابت‌قدم بمانند و تسلیم امیال و خواسته‌ها نشوند. آن‌ها باید با آگاهی و درک عمیق از پیامدها، به مجاهدت خود ادامه دهند تا شام را بار دیگر قرارگاه اهل ایمان و غوطه را میدان اسب‌سواری مجاهدینی قرار دهند که مسجدالاقصی در انتظار آنان است و این جایی است که تنها خلافت راشده بر منهج نبوت می‌تواند آن را آزاد سازد، پس برای چنین هدفی باید تلاش کرد.

### برگرفته از مجله الوعي

شماره‌های ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴ – سال سی‌ونهم –

رجب، شعبان، رمضان ۱۴۴۶ ه.ق.

جنوری، فیبروری و مارچ ۲۰۲۵ م.

نویسنده: احمد معاز سوریه

مترجم: مصطفی اسلام